

چاووش نامه به منزله گونه‌ای مذهبی در ادب فارسی

حسن ذوالفقاری^۱

چکیده

ادبیات شیعی بخشی از ادبیات غنی فارسی است. این نوع ادبی از همان آغاز قرن چهارم، در کنار شعر فارسی شکل گرفت. بخشی از این میراث ادبی به صورت مکتوب در قالب دیوان‌ها و منظومه‌های شیعی باقی مانده است و بخش مهم دیگر، شکل شفاهی دارد. اغلب اشعار و متون منظوم شیعی، آیینی با خود دارند که باعث ماندگاری آن‌ها شده است. یکی از این گونه‌های مهم، چاووش‌نامه‌ها و آیین چاووشی است. چاووشی شعر پیشواز و مشایعت حاجیان و زائران اماکن مقدس است. عشق مردم به زیارت، باعث رونق این آیین و گونه شده و تاکنون ده‌ها منظومه و صدها شعر در قالب‌های مختلف، با مضامین و کارکردهای گوناگون، درباره این آیین شکل گرفته است. در این مقاله، ضمن بررسی این گونه، به ساختار و محتوای آن می‌پردازیم و وجوه ادبی و مردم‌شناسی آن را بررسی کرده و در نهایت، مهم‌ترین چاووش‌نامه‌ها را معرفی می‌کنیم. بررسی‌های ما نشان می‌دهند که چاووش خوانی از سنت‌های بسیار رایج در تمام نواحی و مناطق ایران بوده است که با برخی ویژگی‌های خاص، عموماً کارکرد مشترک مذهبی دارد.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ عامه، ادبیات شیعی، چاووش خوانی، چاووش‌نامه.

۱. استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس zolfagari.hasan@yahoo.com

۱. مقدمه

ادبیات دینی گونه‌ها و گستره فراوانی دارد. حمله‌نامه، مقتل‌نامه، مولودی، نوحه، تعزیه، پرده‌خوانی، منبرخوانی، ولایت‌نامه و... گوشه‌هایی از این ادبیاتند که هر یک شیوه‌های اجرایی متنوعی در نقاط مختلف دارند. یکی از این گونه‌ها، چاووش‌نامه‌ها هستند که تعدادی از متون آن‌ها اکنون در دست است و چاووش‌خوان‌ها مجریان آن هستند. چاووش‌خوانی از حیث ادبی، از نمونه‌های ادبیات غنایی عامه است که بیانگر عواطف و احساسات خواننده، برانگیزاننده عشق و دلدادگی مخاطب، انعکاس‌دهنده آرزوها و برآورده‌شدن حاجات، اندوه سفر و مشکلات راه و شرح مصائب خاندان پیامبر^(ص) است. این گونه از دل سنت مذهبی «زیارت» برآمده است. فرهنگ زیارت در دل خود خرده‌فرهنگ‌هایی دارد و چاووش‌خوانی یکی از آن‌هاست که به‌عنوان سنتی دیرینه، آدابی دارد و گونه‌ای ادبی است که در این مقاله به ابعاد ادبی و ساختار و جنبه‌های آیینی آن پرداخته خواهد شد.

۲. پیشینه

۱-۲. کتاب‌ها

جابر عناصری در کتاب درآمدی بر نمایش و نیایش در ایران (۱۳۶۶)، بخشی را به چاووشی و چاووش‌خوانی اختصاص داده است. نوری و جوادیان (۱۳۸۴) کتاب چاووش را تنظیم و منتشر کرده‌اند که حاصل یک همایش است. هاشمی در کتاب سفرهای زیارتی در فرهنگ مردم (۱۳۸۷) نیز ضمن یادکرد آداب و رسوم سفرهای زیارتی، از چاووشی و آداب آن سخن گفته است. معتمدی (۱۳۸۶) در کتاب چاووشی

سنتی شیعیان (پژوهشی مستقل درباره چاووشی سنتی شیعیان)، در ۲۳ فصل، به معرفی و بررسی این سنت کهن می‌پردازد. ذوالفقاری و حیدری (۱۳۹۵) در کتاب ادبیات مکتب‌خانه‌ای ایران و غلامی جلیسه در کتاب‌های چاووش نامه (۱۳۹۲) و چاووش خوانی (۱۳۹۹)، ضمن تصحیح و انتشار چندین چاووش نامه، به معرفی این آیین پرداخته‌اند.

۲-۲. مقالات

هوشنگ جاوید (۱۳۸۵) در مقاله «چاوش: بانگ قدسی ۲» این آیین را معرفی کرده و مراحل چاووشی خوانی را به همراه نمونه‌هایی آورده است. مظلوم‌زاده در مقاله «زیارت در کازرون» (۱۳۸۷) و همچنین باسیتی و مؤمنی (۱۳۹۸) در مقاله «چاییشی، عشوری و آیین ای دوست خوانی در شهرستان دامغان» و سعیدی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «آیین چاووش خوانی در استان هرمزگان»، موضوع را در یک منطقه ردیابی کرده‌اند. در دانشنامه ادب فارسی (عطاری، ۱۳۸۱)، دانشنامه جهان اسلام (مشهدی نوش‌آبادی و موسی‌پور، ۱۳۷۷)، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (میرفخرایی و نصری اشرفی، ۱۳۹۰) و دانشنامه فرهنگ مردم ایران (احمدی، ۱۳۹۴) هم ذیل مدخل چاووشی، اطلاعات درخوری دیده می‌شود.

در این مقالات و کتاب‌ها، اطلاعاتی پراکنده وجود دارد که هر یک از بُعدی به موضوع پرداخته‌اند. نویسندۀ این مقاله می‌کوشد چاووش نامه را از زاویه نوع و گونه‌ای مستقل بررسی کند.

۳. سنت چاووشی

از آیین‌های استقبال و بدرقه حاجیان و زائران عتبات و مشهد، چاووش خوانی است. آیین هفت قدم همراهی برای بدرقه از دیرباز مرسوم بوده است (برای نمونه، نک: کاشفی سبزواری، ۱۳۶۲: ۱۳۲). برخی (عنصری، ۱۳۶۶: ۱۶۴؛ یوسفی، ۱۳۷۰: ۸) کوشیده‌اند میان این رسم با آیین سوگ سیاوش شباهتی بیابند؛ گو این‌که رسم «حُدی خوانی» را نیز که نزد شتربانان کاروان‌های عرب معمول بوده است، می‌توان کمابیش چاووش خوانی دانست (مشهدی نوش آبادی و موسی‌پور، ۱۳۷۷، ج ۱۱: ۶۸۶). ابن بطوطه (۱۳۳۷: ۷۰۳-۷۷۹) از رسم محمل‌گردانی یاد می‌کند؛ چنان‌که شترداران پیش از سفر حج، پیشاپیش قافله حرکت می‌کردند و آواز می‌خواندند (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۳۶).

در قرن‌های بعد، این هنر ضمن رسمیت یافتن، برای سفر به تمام مکان‌های مقدس مذهبی گسترش یافت و عمومیت پیدا کرد. بنا بر گزارشی در سفرنامه ژان اوتر، چاووش قاصد شاه است (اوتر، ۱۳۶۶: ۳۶۹). پولاک (۱۸۱۸-۱۸۹۱) در شرح وظایف چاووشان می‌نویسد: *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

«در مسافرت‌ها بسیار می‌شود که آدمی با کاروانی از زائران برخورد می‌کند. به هنگام عبور از شهرها، در رأس قافله، چاووش حرکت می‌کند. وی بیرق سرخی با خود دارد و با صدایی بلند، مدح قدیسی را که به زیارتش می‌روند، سر می‌دهد. به دنبال او، خیل مردان و زنان و همچنین کودکان در حرکت‌اند که تک‌تک یا جفت‌جفت، در کجاوه به اسب یا الاغ بسته شده، طی طریق می‌کنند... روی هم‌رفته، می‌توان گفت که اکثر زوار حج در بین راه فوت می‌کنند و به زحمت کثیر، این زوار باز به وطن خود بازمی‌گردند و به همین دلیل است که چاووشی را «مرثیه» هم می‌نامند» (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۳۰).

بنابر متون تاریخی، چاووش خوانی آوازی دینی و استغاثه‌آمیز و لشکری بوده که چاووش خوان‌ها در رکاب امرا و شاهان، به منظور دعا و آرزوی خیر، می‌خوانده‌اند. چاووش خوانان با عصای سرکج پیشاپیش موکب به حرکت درمی‌آمدند و با بانگ بلند و رعداً سا، مردم را از عبور پادشاه مطلع می‌کردند. مولانا بدین رسم اشاره دارد:

بانگ چاووشان و آن چوگان‌ها

که شود مست از نهییش جان‌ها

این برای خاص و عام رهگذر

که کندشان از شهنشاهی خبر

(مولوی، ۱۳۸۵: دفتر ۴، بیت ۳۷۷۲؛ نک: خاقانی، ۱۳۱۶: ۶۰۵؛ نظامی، ۱۳۳۴: ۸۴)

محمد هاشم آصف در رستم‌التواریخ و در کوکبه و جلال نادری، به چاووشان بسیاری اشاره می‌کند که در یمین و یسار شاه، با عصاهای زرین و سیمین، به ذکر «الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» مشغول بوده و می‌رفته‌اند (آصف، ۱۳۵۲: ۱۱۷). جیمز موریه (۱۷۸۰-۱۸۴۹)، سیاح مشهور، در گزارش خود از همراهی چاووشان با کاروان‌های زیارتی و نواختن کوس و نقاره خبر می‌دهد (موریه، ۱۳۸۶: ۸) و اینکه در شاه عبدالعظیم، در مراسم بدرقه زائران امام رضا^(ع)، نقاره می‌نواخته و اشعاری را به آواز می‌خوانده‌اند (همان، ۱۰).

گویا تا پیش از متداول شدن واژه «چاووش»، این گروه خوانندگان به «نقیب» شهرت داشته و مدت‌ها نقیب و چاووش هم‌عرض استعمال می‌شده‌اند. پس از رسمی شدن مذهب شیعه در ایران، رفته‌رفته چاووش خوانی جزو مناسک زائران شد و چاووشی به شکل امروزی درآمد. در سال ۱۳۱۰، آمازنامه تهیه‌شده در بیدگل کاشان چاووشی را به عنوان شغل ثبت کرده است (وصاف بیدگلی، ۱۳۵۸: ۴۳).

در دوره قاجار، برخی چاووشان جزو درویشان خاکساریه بودند (افشاری، ۱۳۸۲: ۲۳۱-۲۳۲). به اعتقاد چاووشان سلسله درویشان عجم، حضرت ابراهیم^(ع) و بلال حبشی از پیران این سلسله بوده‌اند (محبوب، ۱۳۸۳: ۱۰۷۵). «اگر پرسند که چاووش به که می‌رسد؟ جواب گو در شب معراج، به پیغمبر^(ص) که به معراج می‌رفتند. چاووش راه جبرئیل بود که در هر زمان خبر می‌داد. در زمان ختمی مآب، پیامبر^(ص)، عمر بن خزاعی بود. بعد از آن، به عقیل رسید. بعد از او به بشیر» (میرعابدینی و افشاری، ۱۳۷۴: ۳۱۸). برخی از رفتار و گفتار چاووش و نقیب چنین است:

«هریک از جوارح نقیب باید متصف به صفاتی باشد: در سر شور عشق الهی، پیشانی نیاز به درگاه بی‌نیاز گذاشتن، در ابرو حجاب داشتن، حیا در چشم داشتن، روی امید به سوی رب مجید نمودن، لب به ذکر خدا گشودن، زبان شکر و حمد و نعت و مدح گفتن، گردن کج کردن به درگاه کریم، سینه را منبع حلم و معدن علم نمودن، در دل تولای ائمه هدی داشتن، دست سخاوت را از آستین مروت بیرون آوردن، پشت عبادت خم نمودن و کمر خدمت را به رشته فقر و اخلاص محکم بستن، زانوی ادب شکستن و بر مسند احترام نشستن و پا از طریق مردان راه بیرون نگذاشتن.» (همان، ۳۳۰)

شاید از این روست که «چاووش خوانان عزاقائل به پیر هستند و پیر خود را بشیر بن جذلم می‌دانند. به همین دلیل، در روز اربعین، به عنوان تجدید بیعت با مراد خود و همچنین پیروی از پیر خود، با پای برهنه، پوشیدن دشداشه بلند و ظاهری محزون، به خیابان‌ها می‌آمدند» (جاوید، ۱۳۸۸: ۲۲۲).

۳-۱. نام‌گذاری

چاووش در اصل از کلمه ترکی «چو» یا «چا» (کاشغری، ۱۳۸۴، ج: ۱، ۳۰۷) به معنی «اعلان» و «خطاب» است. به پیشرو لشکر یا کاروان سپاهیان، راهنما، حاجب و نقیب قافله

نیز چاووش می‌گفتند. فزاش تشریفات، جارچی، پیک، یساول، وکیل و پیشرو کاروان، نگهبان و مراقب کاروانیان، نگهبان اعلام‌کننده، مرد اسب‌خواه و کسی که کاروانیان را به حرکت درمی‌آورده و جنگ جویان را تشویق و تحریک می‌کرده است، از دیگر معانی چاووش است. چاووش و چاووشی و چاووش‌باشی در تشکیلات دولت ترکان عثمانی، شغلی بوده (قدری، ۱۹۲۸: ۴۰۰) و بعدها این واژه در زبان فارسی وارد شده و از آنجا به «شاوش» و «شاویش» تبدیل شده و به زبان عربی رفته است. دهخدا «چاو» را «بانگ و سروصدای گنجشک» معنا کرده است (دهخدا، ۱۳۴۵: ذیل چاووش). معانی آن در اصطلاح عبارتند از «کسی که دعوت رفتن به زیارت عتبات عالیات کند، کسی که در فصل مناسب زیارت، سواره یا پیاده، به راه افتد و روستاییان را با جارزدن یا خواندن اشعار مهیج و مناسب، به زیارت اعتاب مقدسه تشویق و تهییج نماید» (همان، همان‌جا).

این سنت در هر منطقه نامی نزدیک به چاووشی دارد؛ مثلاً «چوشی» در فارس (انجوی شیرازی، ۱۳۷۹: ۱۰۰)، «چاییشی» در دامغان (باسیتی و مؤمنی، ۱۳۹۸: ۱۷۸)، «چاهوشی» در مازندران (دانای علمی، ۱۳۹۶: ۵۹)، «چئوش» در زاگرس مرکزی (نصری اشرفی، ۱۳۹۰: ۷۲۵)، «چاشی» یا «چایشی» در هرمزگان (درویشی، ۱۳۷۳: ۴۷) و «چوش» در تنگستان (حسن عالی، ۱۳۹۴: ۱۴۹). ممکن است این آیین نامی متفاوت با همین کارکرد داشته باشد؛ مثلاً «زواری» (آسایش، ۱۳۸۶: ۱۴۸)، «راهی» در گیلان (نصری اشرفی، ۱۳۹۰: ۷۲۷) و «نذاره‌خوانی» در بیرجند (شریفیان، ۱۳۸۵: ۶۴).

۲-۳. چگونگی اجرای چاووشی

چاووشان پیش‌کسوت پس از رسیدن به مرحله علمداری، به کار تربیت شاگرد می‌پرداخته‌اند؛ چون نوچگی، روخوانی از چاووش‌نامه‌ها، ازبر کردن، هم‌آوایی و همراهی با چاووش ماهر (انوشه، ۱۳۸۱: ۵۰۳). چاووشی در برخی موارد، حرفه‌ای موروثی بوده؛ چنان‌که براساس موقوفات تکیه بیدآباد در شاهرود، در خانواده چاووشان گردش

داشته است (شریعت‌زاده، ۱۳۷۱: ۴۰۹-۴۱۳).

چاووش خوانی به دو صورت تک‌خوانی و هم‌خوانی انجام می‌شده است. در بوشهر، زنان نیز چاووشی می‌کنند و گاه میان چاووشان زن و مرد، آواز مبادله می‌شود (شریفیان، ۱۳۸۵: ۶۵). چاووش‌خوان باید صدایی گرم، قوی و خوش داشته باشد و از هنر بدیهه‌خوانی و حافظه‌نیرومند برخوردار باشد (عنصری، ۱۳۶۶: ۱۳۴). زائران هریک به فراخور وضع مالی خود، انعامی به چاووش‌خوانان می‌پرداختند. چاووشان همراه زائران، به هنگام نزدیک شدن به شهر، «گنبدنما» از زائران دریافت می‌کردند (طباطبایی اردکانی، ۱۳۸۱: ۴۶۶).

در مناطق جنوبی، به این آیین «چوُشی» می‌گویند. اشخاصی که صدایی رسا و زیبا دارند، با خواندن اشعاری به صورت یک یا دو نفره، چاووشی را با ابیاتی مانند:

بر مشامم می‌رسد هر لحظه بوی کربلا

در دلم ترسم بماند آرزوی کربلا

تشنه آب فراتم، ای اجل، مهلت بده

تا بگیرم در بغل، قبر شهید کربلا

شروع می‌کنند و با ابیتی مانند:

که خدا گفته در همه آیات

به شهنشاه کربلا صلوات

به پایان می‌برند. پس از آن، شخصی دیگر یا خود چوُشی‌خوان دوباره شروع می‌کند و ممکن است چندین شعر و بیت خوانده شود که بسته به مکان و موقعیت، مدت زمان آن متفاوت است. از ویژگی‌های چوُشی‌خوانی در جنوب این است که ناگهانی و بدون هیچ مقدمه‌ای شروع می‌شود و اکثراً شعرهای بسیار کوتاه برای آن انتخاب می‌گردد.

۳-۳. کارکردهای چاووشی

سنت چاووشی در گذشته نه چندان دور، کارکردهای فراوان داشته است. به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

۳-۳-۱. زیارت

عمدتاً زیارت خانه خدا و عتبات عالیات و اماکن مقدس. آنچه امروز بیشتر رواج دارد، چاووش سفر و زیارت است.

۳-۳-۲. رمضان

چاووش برای پیش‌باز ماه رمضان و سحرهای رمضان (عناصری، ۱۳۶۶: ۱۳۶-۱۳۷).

۳-۳-۳. جشن و سرور

برخی چاووشان حتی پیشاپیش عروس نیز چاووشی می‌کنند (آل احمد، ۱۳۴۹: ۵۰). در جشن‌های ختنه‌سوران مصر نیز کسانی با نام «شاویش» متصدی بخشی از مراسم هستند (مشهدی نوش آبادی و موسی‌پور، ۱۳۷۷، ج ۱۱: ۶۸۷). انجوی شیرازی نمونه‌ای از اشعار غیردینی چاووشان را می‌آورد که نشان می‌دهد چاووشان در مراسم غیردینی و سرورها نیز می‌خوانده‌اند (انجوی شیرازی، ۱۳۷۹: ۱۰۰-۱۰۲).

۳-۳-۴. کار

در بوشهر، هنگام به آب افکندن شناورهای ماهی‌گیری نیز چاووشی می‌کردند (شریفیان، ۱۳۸۵: ۶۵). در خور و نایین، در جشن کشت شلغم، سرزمین کشاورزی، چاووشی خوانی می‌کنند (شایسته‌رخ، ۱۳۹۲: ۱۰۰-۱۰۳). در هرمزگان، در جشن عروسی و تولد ائمه و حتی هنگام کارهای ساختمانی، چاووشی اجرا می‌شود.

۳-۳-۵. تعزیه

در تعزیه‌هایی که اهل بیت (ع) به سفر می‌روند یا شیعیان برای زیارت راهی می‌شوند؛ برای مثال، در تعزیه چهار سردار، وقتی کاروان امام حسین (ع) به طرف کربلا در حرکت است، حضرت ابوالفضل (ع) چاووشی می‌کند یا در تعزیه امام رضا (ع)، هنگام حرکت امام از مدینه به سمت خراسان، چاووش می‌خوانند. در مجالسی نظیر داوود یهودی، شاه عباس و نایینا و... هم در مسیر سفر اشخاص برای زیارت، چاووشی داریم؛ برای نمونه:

از خاک رضا بوی جنان می‌شنوم

فریاد رضا به گوش جان می‌شنوم

هر صبح و مسا بگو به مأمون لعنت

من مدح رضا ز قدسیان می‌شنوم

(نادعلی زاده، ۱۴۰۰: ۲۹)

۳-۳-۶. محرم

چند روز قبل از محرم، برای پیش‌باز محرم و نیز در صبح عاشورا، چاووشی اجرا می‌شد. در این مواقع، چاووش روی پشت بام مسجد می‌رفت و اشعاری را با صدای بلند می‌خواند تا اگر روضه‌ای برپا شد، آن را به اطلاع اهالی برساند. همچنین، چاووشی به صورت پامنبری اجرا می‌شد که چاووش خوانان بین دو منبر، اشعاری را به عنوان پامنبری می‌خواندند (نصری اشرفی، ۱۳۸۳: ۱۰۹). هنگام محرم، در بیرجند و وقت علم‌بندان، چاووشی می‌خوانند و مردم در پایان هر بند چاووشی، صلوات می‌فرستند (برآبادی، ۱۳۸۰: ۴۷-۴۸). در بیرجند و میبد، چاووش خوان به درون نخل می‌رود و چاووشی می‌کند (بلوک‌باشی، ۱۳۸۰: ۷۱-۷۲).

نمونه چاووشی محرم:

ای محرم، ماه ماتم، آمدی
با غم و اندوه توأم آمدی
ای محرم، آمدی با غلغله
دوستان را تنگ کردی حوصله
ای محرم، از تو دارم اضطراب
در تو چون شد آسمان دین خراب
ای محرم، در تو با صد شور و شین

کشته شد از کین، علمدار حسین

نمونه شعر چاووش اربعین:

شما، اهل وطن، عشرت سر آمد
شما را پیک ماتم از در آمد
در این شهر از وفا دیگر ننماید
که خاک غم شما را بر سر آمد
به دشت کربلا، فرزند زهرا
شهید از تیغ شمر کافر آمد
ز شام اینک سوی شهر مدینه
دوباره زینب غم پرور آمد

۳-۳-۷. اطلاع‌دادن مرگ کسی

چاووش مرگ یا صلوات گفتن و صلوات کشیدن زمانی است که چاووش خوان هنگام درگذشت کسی، برای آگاه‌کردن اهالی محل و دعوت آن‌ها برای تشییع و تدفین، اشعاری را با صدای بلند می‌خواند. این نوع در برخی از نقاط ایران به «کتل خوانی» شهره است؛ زیرا چاووش خوان با لباس سیاه برکتل (اسب) سیاه‌پوش آوازهایی را می‌خواند که مضمون آن از واقعه‌ای ناگوار خبر می‌دهد (درباره کتل خوانی، نک: ۱۳۷۸: ۵۶-۵۹؛ قنبری عدیوی، ۱۳۸۲: ۵۰-۵۴).

۳-۳-۸. اندرز

برای نمونه، چاووش قیامت که در گذشته، در عصرهای جمعه اجرا می‌شد و چاووش خوان اشعاری را درباره قیامت و سفر آخرت می‌خواند.

۳-۴. مراحل کار چاووش خوانان

مرحله اول: فراخوان سفر است که چاووش خوان فقط اطلاع‌رسانی می‌کند. چاووش خوانان با افراشتن علم یا بیرق بر دوش، گرد شهر و ده می‌گشتند و با خواندن اشعار خاص خود، به اهالی می‌فهماندند که چند روز دیگر کاروانی عازم شهر زیارتی است و اگر کسی می‌خواهد به کاروان ملحق شود، خود را آماده کند. اینان هر یک محله‌ای را تحت پوشش خود می‌گرفتند (عناصری، ۱۳۶۶: ۱۶۹).

مرحله دوم: بدرقه کاروان است که هدف از چاووش خوانی، علاوه بر اطلاع‌رسانی، نظم‌بخشیدن به کاروان و به حرکت درآوردن کاروانیان و نیز بدرقه آنان بوده است. کاروانیان در میدانی جمع می‌شدند و بدرقه‌کنندگان پس از چاووشی، تا دوپست قدم خارج از آبادی نیز به همراه کاروان می‌رفتند. در حین بدرقه کاروانیان تا خارج آبادی، به تناسب مقصد سفر، اشعاری را اغلب به صورت چهاربیتی می‌خواندند که معمولاً یک مصراع صلوات خوانی به آن اضافه می‌شد. این اشعار را «چاووش رفت» می‌گویند: «چاووش خوانی تا زمانی که زائر سوار اتوبوس می‌شد یا در بازگشت از سفر تا زمانی که

به منزلش می‌رسید، ادامه می‌یافت» (هاشمی، ۱۳۸۷: ۸۵).

مرحله سوم: در طول سفر که چاووش خوانان متناسب با هر موقعیت، اشعاری می‌خواندند و گاه کاروانیان نیز در قالب صلوات خوانی، با آن‌ها همراهی می‌کردند:

«حتی برای حفاظت از قافله، تفنگ یا شمشیر با خود حمل می‌کردند و علاوه بر اعلام زمان حرکت و استراحت و تدارک محل سکونت و خرید مایحتاج، راهنمایی زائران را در اماکن زیارتی نیز بر عهده داشتند» (طباطبایی اردکانی، ۱۳۸۱: ۴۶۴). در شهرهای بزرگ، این گروه از چاووشان را چند هفته قبل از آغاز مسافرت، به خدمت می‌گرفتند (شهری، ۱۳۸۱، ج ۳: ۴۵۳). این گونه چاووشی‌ها صورت کاملاً حرفه‌ای داشتند.

مرحله چهارم: استقبال از کاروان بود که استقبال‌کنندگان به تناسب مقصد کاروان، اشعاری را با نام «چاووش بازگشت» می‌خواندند:

«در بوشهر، تا سال‌های اخیر و حتی در همین زمان، کم‌وبیش رسم بوده که سه روز قبل از حرکت و سه روز پس از بازگشت زائران کربلا یا مشهد و خانه خدا، در منزل زائر، مراسم چاووشی خوانی و صرف شام و ناهار برقرار می‌شد و همسایگان برای دیدار زائر و خانواده‌اش که در حال آماده شدن برای سفر بودند، به خانه او می‌آمدند و با صرف ناهار یا شام، او را خوشحال می‌کردند» (حمیدی، ۲۰۰۴).

گاه چاووش خوانان پیش‌تر از زائران به شهرها مراجعت می‌کردند و خبر سلامتی آنان را به خانواده‌ها می‌دادند (فقیهی، ۱۳۵۰: ۳۰۸).

۳-۵. چاووش خوانان

افرادی از متدینان خوش صدا و گاه سید بودند که با داشتن برخی ویژگی‌ها، این شغل را بر عهده می‌گرفتند. در ادامه به برخی از شاخصه‌های این افراد اشاره می‌شود.

۳-۵-۱. لباس

چاووش خوان مُحَرَّم لباسی سپید و بلند می‌پوشید و سادات چاووش خوان، شال سبز بر دوش داشتند و اگر عام بودند، شال مشکی بر گردن و کمر داشتند و با در دست گرفتن پرچم سیاه و سرخ، در خیابان‌ها و محله‌ها ظاهر می‌شدند. به لباس چاووش خوان «وصله» می‌گفتند. در آیین قلندری این لباس را چنین تعریف می‌کنند: «اگر پرسند که چاووش چند وصله دارد، بگو هفت وصله دارد: دو دستکش، نعلین، پاپوش، شلوار، سفره، خدمت، ابلق» (میرعابدینی و افشاری، ۱۳۷۴: ۳۱۸). ابلق پر دورنگی است که سرهنگان بر کلاه خود می‌زدند.

۳-۵-۲. وسایل

نیزه، قمچی (تازیانه)، زنگ و پوست و عَلم از وسایل چاووش خوانان بوده‌اند. علم چاووش اغلب سه‌گوش و سبزرنگ بود. ظهور علم چاووش و چاووش خوانی او در کوی و محله‌ها، هم مژده سفری روحانی بود و هم اعلام وقت خداحافظی مسافران و حلالیت‌طلبیدن (یوسفی، ۱۳۷۰: ۶). بر علم چاووش خوانان، ابیاتی مناسب با مقصد سفر، مثلاً دربارهٔ عرفات یا منا، می‌نوشتند یا نقش‌هایی از حرمین شریفین یا گنبد و بارگاه امام علی^(ع) در نجف یا شمایل از حضرت عباس^(ع) می‌نگاشتند (عنصری، ۱۳۶۶: ۱۳۶). برای زیارت اماکن مقدس داخلی، پرچم سبز و برای زیارت عتبات عالیات، دو پرچم سرخ و آبی و از جنس ابریشم به کار می‌رفت. برای زمان سوگ هم پرچم‌ها یا کتل‌های سیاه از جنس مخمل با منگولهٔ زرد و حاشیه‌دوزی زری بودند.

۳-۵-۳. آواز گرم و صدای خوش

چاووش خوان باید با موسیقی و مقام‌های آن آشنا باشد. از نظر موسیقایی، مقام چاووشی از جمله مقام‌های سازی و آوازی است که به‌واسطهٔ موسیقی تعزیه، جایگاه خود را در

موسیقی محلی برخی نواحی تثبیت کرده است. دستگاه چهارگاه بیشترین سهم را در اجرای چاووش خوانی در ایران به خود اختصاص داده است. استان گیلان نیز نوعی چاووش خوانی منحصر به خود دارد که در آواز دشتی اجرامی شود. این نوع از چاووش خوانی معمولاً به همراهی کرناوازی اجرا شده و مراکز اجرای آن شهرستان‌های آستانه اشرفیه (روستای فوشازده) و لاهیجان (روستای ایشکا) هستند (نصری اشرفی، ۱۳۸۳: ۱۰۹).

۳-۵-۴. حافظه

چاووش خوان باید با انواع اشعار و نوحه‌ها و چاووش‌ها در تمام موقعیت‌ها آشنایی داشته باشد. اغلب چاووش خوانان خود شاعر و سراینده این چاووش نامه‌ها بودند.

۳-۵-۵. موقعیت‌شناسی

چاووش خوان باید موقع‌شناس باشد و در هر سفر زیارتی، بر مضامینی تأکید کند که با مقصد زائران مناسب دارد. حال وهوا و شوق زیارت و امیدواری به حصول حاجات و قبولی توبه در این اشعار غالب است. از این رو، گاه چاووشان در هر سفر فی البداهه نیز اشعاری می‌سرودند؛ چنان‌که در اشعار چاووشی مربوط به حج، مضمون‌هایی راجع به قربانی کردن حضرت اسماعیل با تأکید بر «ذبیح‌الله» بودن او چشم‌گیرترند (عنصری، ۱۳۶۶: ۱۳۵-۱۳۷ و ۱۵۳-۱۵۴).

۳-۵-۶. مهارت‌های چندگانه

چاووش خوان «سید و گاه مداح یا روحانی» (هاشمی، ۱۳۸۷: ۷۹) است که مداحی و اذان‌گویی و اعلان فراخوان به مردم را بر عهده دارد. علاوه بر آن، هنگام حرکت، «سقای زائران را به عهده دارد و برایشان آتش روشن می‌کند و هیزم جمع می‌کند» (نظری و دیگران، ۱۳۸۴: ۵۴۵).

۴. چاووش نامه‌ها

۴-۱. ساختار و محتوای چاووش نامه

تمام چاووش نامه‌ها از بخش‌هایی مشابه تشکیل شده‌اند و ساختاری نزدیک به هم دارند که این ساختار براساس محتوا و سیر و مراحل چاووشی، به قرار زیر است.

۴-۱-۱. بسم‌الله خوانی

ابتدای اغلب چاووش نامه‌ها به سنت متون اسلامی، با بسم‌الله منظوم است که خود سابقه‌ای طولانی در ادب منظوم فارسی دارد:

هرکه دارد هوس کرب و بلا بسم‌الله

هرکه دارد سر همراهی ما بسم‌الله

یا

اول از حمد خدا آیه بسم‌الله است

دوم از حیدر صفدر که ولی‌الله است

۴-۱-۲. صلوات خوانی

گاه چاووش خوان در ابتدا، میانه، پایان و هر جا که اقتضا کند، صلوات خوانی و دعوت به فرستادن صلوات می‌کند. ممکن است صلوات خوانی شکل مسجع (شعرگونه) داشته باشد:

اول به مدینه، مصطفی را صلوات

دوم به نجف، شیر خدا را صلوات

در کرب و بلا، به شمر ملعون لعنت

در توس، غریب‌الغربا را صلوات

۳-۱-۴. ترغیب به زیارت

چاووش باید با اشعار برانگیزاننده و پراحساس، به جلب نظر و خاطر مردم برای این سفر روحانی اقدام کند. این ترغیب به سفر جنبه تبلیغاتی دارد و به مسافر اطمینان می‌دهد که سفر او بی‌خطر است:

ای عزیزان، سفر کرب و بلا در نظر است

ما خبر کردیم و رفتیم، سفر بی‌خطر است

در این ترغیب‌ها، چاووش خوان تکیه دارد که اکنون آرزوداران زیارت می‌توانند به مقصود و مقصد برسند و اگر تأخیر کنند، ممکن است آرزویردل بمانند:

بر مشامم می‌رسد هر لحظه بوی کربلا

بر دلم ترسم بماند آرزوی کربلا

تشنه آب فراتم، ای اجل، مهلت بده

تا بگیرم در بغل، قبر شهید کربلا

۴-۱-۴. پیش‌مضمون

اشعاری که به تناسب هر سفر، حکم براعت استهلال داشتند و ذهن شنوندگان را آماده می‌کردند؛ برای نمونه، این شعر به هنگام رفتن کاروان به سوی عتبات عالیات، به‌عنوان پیش‌مضمون خوانده می‌شد:

آب يك آب است، اما در صفات

هست بهتر از همه آبِ فرات

قدر او بالاتر از زمزم بُود
 چون به خاک کربلا همدم بُود
 چون که مهر دختر پیغمبر است
 لاجرم از آب حیوان بهتر است
 ای دریغا در کنار این فرات
 زاده زهرا به هنگام ممات،
 گاه از سوز عطش می کرد غش
 گاه می فرمود: ای قوم، العطش!

(جوهری، ۱۳۷۰: ۴۸)

۴-۱-۵. شرح سفر

بخش مهم چاووش نامه‌ها شرح مراحل و سختی‌های سفر، توصیف منازل بین راه، ذکر خطراتی چون دزدی، اوضاع بدِ جوّی، جدایی ناخواسته اهل کاروان، سختی گرفتن تذکره (ویزا) و از این قبیل بوده که خود ماده درخور توجهی برای مردم‌شناسی و اوضاع راه‌ها و شوارع است. چاووش خوان در این بخش همچون سفرنامه نگاری خبره، جزئیات مسیر و اتفاقات و دیدنی‌ها را با تکیه بر اماکن مذهبی، با احساس زلال و عشق خود و مصائب اهل بیت همراه می‌کند:

چون از وطن روانه سوی کربلا شدیم
 امیدوار بر کرم کبریا شدیم
 دیدیم بقعه شاه عبدالعظیم را
 در آستان شاه مقامش گدا شدیم

کردیم پس زیارت معصومه را به قم

آنجا دخیل خواهر شاه رضا شدیم

گشتیم پس به جانب کرمانشهان روان

آنجا به دست تذکره چی مبتلا شدیم

اما هزار شکر که از هر چه بود و هست

دادیم پول و از همگی شان رها شدیم!

(ذوالفقاری و حیدری، ۱۳۹۵: ۱۸۰)

۴-۱-۶. وصف اماکن متبرکه

شاید بخش مهمی از چاووش نامه‌ها توصیف اماکن مقدس و شرح دیدار از این مکان‌ها بوده باشد که زبان حال زائرانی است که سالیان متوالی آرزوی دیدار این بقاع و آرامگاه‌ها را داشته‌اند:

در مقامات مسجد کوفه

جابه جا طاعت خدا کردیم

اول از بهر والدین عزیز

طلب نصرت از خدا کردیم

مسلم و هانی و دگر مختار

ما زیارت جدا جدا کردیم

(جهانی برزکی، ۱۳۸۵: ۹۳)

در این اشعار، شوق زائداالوصف زائر در دیدن بخش‌های مختلف بارگاه امام

رضاع^۱ مشهود است:

پا نهادم چون به مسجد، یادم آمد از بهشت
 صحن او دارد شرف بر قصر جنات‌العلی
 ذکرگویان، دیده گریان، تا میان کفش‌کن
 پا نهادم، اشک جاری شد مرا از دیده‌ها
 بر در اول که سقاخانه آن حضرت است
 آب کوثر در میانش شربت بیمارها
 چلچراغی دیدم از نزدیک چون نخل بهشت
 لیک سوزان، اشک‌ریزان، چون تن غمناک‌ها
 بود در دارالحفاظش لوح قرآن مجید
 چیده در پهلوی هم سرلوح هریک از طلا

(ذوالفقاری و حیدری، ۱۳۹۵: ۱۷۶)

۴-۱-۷. مدح و منقبت امامان

هدف اصلی سفر، زیارت بارگاه امامان و عشق فوق‌العاده زائران به آنان است. همین شوق چاووش‌خوان را بر آن می‌دارد تا زبان به مدح و منقبت و ذکر صفات و مصائب آنان بازکند و احساسات مؤمنان را برانگیزاند:

یوسفی از مصر کنعان در خراسان آمده
 سنگ بر تعظیم او از کوه غلتان آمده
 قبله هفتم، شه هشتم، علی موسی‌الرضا
 از عرب شاه غریبی در خراسان آمده

(هاشمی، ۱۳۸۷: ۹۲)

۴-۱-۸. یادکرد درگذشتگان و حق داران

در چاووش نامه‌ها، درباره نیابت زیارت در حق آنان که دستشان از جهان کوتاه بوده، اشعاری وارد شده است:

بود خالی جای یاران، جملگی از مرد و زن

در حریم کعبه، سلطان علی موسی‌الرضا

در زیارت نامه خواندم، باز آوردم به یاد

حق حق داران و حق قوم و خویش اقربا

۴-۱-۹. آرزوی زیارت دیگر

چاووش خوان در پایان سفر آرزو می‌کند مسافران این سفر و نیز آنان که توفیق نداشته‌اند، سال دیگر و در سفر دیگر، همراه کاروان باشند:

بارالها، کن نصیب دوستان سال دگر

هم نجف، هم کربلا، هم مشهد شاه رضا!

۴-۱-۱۰. بازگشت

هنگام بازگشت، اشعاری خوانده می‌شد که مناسب همان سفر بود. اگر کاروان از سفر حج بازمی‌گشت، چنین می‌خواندند:

حاجیان از حرم امن خدا آمده‌اند

شادمان در وطن، از سعی و صفا آمده‌اند

شکر بسیار خدا را که به ایران عزیز

حاجیان از حرم امن خدا آمده‌اند!

و چنانچه بازگشت کاروان از سفر عتبات عالیات بود، این شعر را می‌خواندند:

رفتم به کربلا به سر قبر هر شهید
 دیدم که تربت شهدا مشک و عنبر است
 هر يك شهید مرقدشان چهارگوشه داشت
 شش گوشه یک مزار، در آن هفت کشور است
 پرسیدم از یکی سببش را، به گریه گفت:
 پایین پای قبر حسین، قبر اکبر است
 (ناصرالدین شاه قاجار)
 در میان اشعار بازگشت، برخی مضامین بر خرسندی از این سفر معنوی دلالت دارند:
 از جوار مشهد شاه رضا برگشته‌ایم
 از ضریح آن امام مقتدا برگشته‌ایم
 سر فدا کردیم در راه امام هشتمین
 مژده ای یاران، ز ایوان طلا برگشته‌ایم
 سرمه چشمان نمودیم خاک پای شاه دین
 از حضور آن امام باولا برگشته‌ایم
 (عنصری، ۱۳۶۶: ۱۴۰)

۲-۴. جنبه‌های ادبی چاووش نامه‌ها

چاووش نامه‌ها زبانی ساده، عامیانه، صمیمی، پرشور و جذاب دارند و دربردارنده عقاید و اندیشه‌های شیعی و احساسات و عواطف زائران هستند. اشعار چاووشی بیشتر در قالب دوبیتی است؛ اما سایر قالب‌های شعری، همچون مثنوی، قصیده و قطعه نیز در مواردی به کار می‌روند. در برخی چاووشی‌ها، اصول وزن و قافیه کمتر

رعایت می‌شود. وزن غالب چاووشی‌ها بحر رمل مثنی‌م محذوف است (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن)، مثل «یک طواف مرقد سلطان علی موسی‌الرضا» یا بحر خفیف (فعلاتن مفاعلن فعلاتن)، مثل «که خدا گفته در همه آیات» و بحر مجتث (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن)، مثل «به شاه قبه‌طلا، حضرت رضا، صلوات». اشعار چاووشی بیشتر ساخته ذوق و تخیل علاقه‌مندان است و سراینندگان آن‌ها اغلب نامعلوم‌اند. به همین سبب است که بعضی از اشعار چاووشی فاقد قافیۀ مرتب‌اند (حمیدی، ۲۰۰۴). اغلب اشعار سروده خود چاووش خوان‌ها هستند یا آنان اشعار را به مناسبت تغییر می‌دهند. یکی از وجوه مشترک آیین چاووش خوانی، مشترک بودن اشعار چاووش خوانان در مناطق ایران است.

۳-۴. جنبه‌های مردم‌شناسانه چاووش نامه‌ها

از میان چاووش نامه‌ها می‌توان به اطلاعات تاریخی، جغرافیایی، زبانی و فولکلوریک دیگر دست یافت؛ از جمله وقایع سفر و دشواری‌های راه و سخت‌گیری‌های مرزبانان یا لوازم سفر (عنصری، ۱۳۶۶: ۱۵۳)؛ چنان‌که در چاووش نامه زفره‌ای، به بیش از هفتاد وسیله و لوازم سفر زائران، مثل قوطی گوگرد، ذره‌بین، مگس‌پران، وافور و قوطی تریاک اشاره شده است:

ای عزیزان، آنچه همراه است، زان یاد آورید

رخت‌خواب و تنگ آب و سفره نان یاد آورید

از قُر و زنگ و دگر افسار و زنجیر و کمند

شمع و فانوس و فنر یا سیخ آن یاد آورید

قندشکن را با سماور جمع کن با قهوه جوش

انبر و چاقو و سوزن، ریسمان یاد آورید...

(رجائی زفره‌ای، ۱۳۵۴: ۴۰۵)

در چاووش نامه زیر، معلوم می‌شود هزینه گرفتن تذکره پانزده قران بوده است:

پانزده قران داده، گرفتیم تذکره

بعد از دو شب، روانه از آن غم‌فزا شدیم

۴-۴. چاووش نامه‌های موجود

چاووش نامه‌ها همگی به شعر و منظومه‌ای روایی و در شرح سفر زیارتی هستند. اغلب آن‌ها سراینده مشخصی ندارند. به دلیل رواج سنت چاووشی، تاکنون چندین منظومه از این چاووش نامه‌ها منتشر شده است. با بررسی نسخ خطی، تنها یک نمونه خطی متعلق به قرن سیزدهم مشاهده شد. اغلب متون قدیم منتشرشده، از آثار چاپ سنگی اند. اشعار مشترک میان آن‌ها زیاد است و این موضوع نشان می‌دهد که خوانندگان اغلب این اشعار در نوع اشعار و نحوه اجرا، شیوه یکسان دارند. چند چاووش نامه مشهور عبارت‌اند از:

۱. قصیده چاووش نامه حضرت رضا^(ع): شامل ۱۴ بیت در بحر رمل به مطلع زیر:

شکر الله شد نصیبم مشهد شاه رضا

یافتم بوی بهشت از مرقد شاه رضا!

همچنین یک قطعه و سه رباعی در پایان آمده است. سراینده جای‌ها و چیزهایی را که در حرم دیده است، توصیف می‌کند: «کفش کن، سقاخانه، دارالحفاظ، ضریح»؛ این قصیده در ذیل آثار مکتب‌خانه‌ای منتشر شده است؛ زیرا آن را در مکتب‌خانه‌ها می‌خوانده‌اند (ذوالفقاری و حیدری: ۱۳۹۵).

۲. قصیده چاووش نامه کربلای معلّا: شامل ۶۱ بیت که در بحر مجتث سروده شده

است و چنین آغاز می‌شود:

چون از وطن روانه سوی کربلا شدیم

امیدوار بر کرم کبریا شدیم

در این قصیده، شاعر شرح سفر زیارتی خود و همراهان را به کربلا آورده است. سفر ظاهراً از تهران شروع می‌شود. مسافران نخست به زیارت مرقد عبدالعظیم می‌روند. سپس حرم حضرت معصومه^(س) را در قم زیارت می‌کنند و راهی بیستون و کرمانشاه می‌شوند. در کرمانشاه، گرفتار تذکره‌چی طمع‌کار می‌شوند. از ایران وارد عراق می‌شوند و خانقین را زیارت می‌کنند. از شهر وان، قزل‌ریباط و یعقوبه دیدن می‌کنند و مرقد امامان علی‌النقی و حسن عسگری^(ع) و نیز چاهی را که حضرت مهدی از آنجا غایب شده است، زیارت می‌کنند. شهر کاظمین زیارت‌گاه بعدی مسافران است. درگذر از آنجا، در راه کربلا، نخست قبر طفلان مسلم را زیارت می‌کنند. سپس مسافران به زیارت امام حسین^(ع)، قبر شهیدان کربلا و خیمه‌گاه ایشان می‌روند. در نهایت، زائران به وطن بازمی‌گردند (ذوالفقاری و حیدری: ۱۳۹۵).

۳. قصیده چاووش نامه: در ۱۶ بیت منسوب به ناصرالدین شاه در شرح زیارت کربلا و ۱۲ بیت در شرح زیارت مرقد شش‌گوشه امام حسین و علی‌اکبر^(ع)، زیارت قبر حبیب بن مظاهر و حضرت عباس^(ع) آمده است. پس از دیدار از خیمه‌گاه، شاعر عازم نجف شده و به زیارت مرقد حضرت علی^(ع) نائل می‌شود. در نهایت، شاعر و همراهان با دلی پراشک و اندوهگین، از سفر خود بازمی‌گردند (ذوالفقاری و حیدری: ۱۳۹۵).

۴. چاووش نامه حضرت رضا^(ع) و کربلای معلی: گردآورنده یا شاعر نامعلوم بوده و این اثر بی‌تاریخ است.

۵. چاووش نامه حاج محمود کفش‌داری: که شرح سفر زیارت مرقد حضرت رضا^(ع) به شعر، در توصیف کفش‌کن، سقاخانه، دارالحفاظ، ضریح و سرانجام توفیق زیارت حرم امام برای دیگران است (چاووش نامه: ۱۳۴۶).

۶. چاووش نامه رجائی زفره‌ای: در دفتر نهم کتابداری نسخه‌های خطی «نشریه

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره ۳۰، چند نسخه خطی موجود در روستای زفره (ص ۲۳۴-۲۴۱) معرفی شد. یکی از آن‌ها به شماره ۲، چاووشی امام رضا^(ع) در ۱۲ نوع و هر نوع مشتمل بر دو بیت است (۱۳۵۴: ۴۰۵-۴۰۶)؛ برای نمونه:

هزار شکر که شد بیرقم به چرخ بلند
به خاک درگه سلطان دین، به خاک افکند!

به چشم زخم عدو این یکاد باید خواند
که تا بر آتش حسرت شود حسود سپند

(رجائی زفره‌ای، ۱۳۷۸: ۶۰)

۷. چاووشی‌نامه: کتاب چاووشی‌نامه بازچاپ یکی از متن‌های چاووشی است که سراینده به معرفی سفرهای معنوی در دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی می‌پردازد. از نکات بارز این چاووشی‌نامه، سفرنامه منظومی است که در قالب چاووشی سروده شده و سراینده طی آن، به معرفی سفر معنوی، منزلگاه‌ها، سختی‌ها و بهره‌های معنوی آن می‌پردازد. نویسنده این کتاب نمونه‌هایی از سروده‌های چاووشی زیارت حرم مطهر امام علی بن موسی الرضا^(ع) و عتبات عالیات ائمه اطهار^(ع) در عراق را گردآوری کرده است. شاعر بیشتر بخش‌های این چاووشی‌نامه مشخص نیست؛ اما بخشی از این کتاب سروده محمد حسن بن محمدرضا بیوکی، متخلص به رضوان، شاعر، قاری و هنرمند آستان قدس رضوی و بخشی نیز از سروده‌های ناصرالدین شاه است (غلامی جلیسه، ۱۳۹۲).

۸. چاووش خوانی: شامل مجموعه‌ای از اشعار چاووشی زائران حج و بارگاه امامان شیعه، تصویر پوستره‌های زیارتی و طومارهای زیارتی است. این کتاب که به کوشش مجید جلیسه فراهم آمده، مجموعه متن درهم آمیخته شش عنوان کتاب چاپ سنگی

و سربی چاووشی و نزدیک به ده پوستر زیارتی است که اشعار چاووشی و سفرنامه‌های منظوم را در خود جای داده‌اند. در این کتاب، ۲۷ قطعه شعر، شامل اشعار چاووشی و سفرنامه منظوم به چاپ رسیده است (نک: غلامی جلیسه، ۱۳۹۹).

۹. چاووشی سنتی شیعیان: کتاب پژوهش مستقل درباره چاووشی سنتی شیعیان، نوشته سید حسین معتمدی است که در ۲۳ فصل، به معرفی و بررسی این سنت کهن می‌پردازد. عناوین بعضی از فصل‌های کتاب عبارت‌اند از: «چاووش و چاووشی و سابقه طولانی آن»، «چاووشی برای اعلام زیارت رفتن و بدرقه و استقبال زوار»، «اجر و ثواب ولیمه و اطعام زوار»، «اشعار چاووشی چگونه اشعاری است و جواب دادن به چاووش چگونه است؟»، «اشعار چاووشی برای زوار مکه و مدینه»، «اشعار چاووشی برای زوار کربلا»، «اشعار چاووشی برای زوار مشهد مقدس»، «اشعار چاووشی برای زوار حضرت زینب (س)»، «چاووشی و چاووشان و اشعار چاووشی برای فرارسیدن ماه محرم» و... (معتمدی: ۱۳۸۶).

۱۰. سفر عشق (مجموعه چاووشی نامه مکه و مدینه): گردآورنده این مجموعه رضا یعقوبیان است.

۱۱. چاووش نامه خطی: در آغاز نسخه خطی شماره ۱۶۱۰۱ کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، اشعاری به فارسی آمده که کاتب و شاعر و تاریخش معلوم نیست و به نظر می‌رسد چاووشی‌ای باشد که پیش از سفر حج، برای گردآوری حجاج و تشویق مردم به این سفر معنوی، خوانده می‌شده است:

شیعیان ما را هوای طوف کوی داور است [کذا]

شور عمره در دل و سودای حج اندر سر است

هرکه خواهان است، بشتابد که نیکوخانه‌ای است

میزبانش از تمام میزبانان بهتر است

۱۲. چاووشی خوانی: به فارسی و ترکی، گردآورده حسین شفای خشگناب.

۱۳. چاووش نامه: مکه معظمه، مدینه منوره، کربلا، نجف، کاظمین، سامرا، مشهد مقدس و قم، گردآورده محمدعلی صفری.

۱۴. آیین چاووش خوانی: نوشته رجبعلی علامه (از خطیبان و ذاکران دامغان) و علیرضا رعیت حسن آبادی است (علامه، رعیت حسن آبادی، ۱۳۹۱). در این کتاب، در کنار تاریخچه چاووش خوانی و دسته بندی انواع آن، اشعار چاووش خوانی برای مناسبت ها و موقعیت های مختلف آورده شده اند.

۱۵. چاووش کربلا: شامل اشعار چاووشی به ترکی که به همت محمود نیکجو تکمه داش گرد آمده است.

۱۶. مجموعه چاووش خوانی: گردآورنده این مجموعه جواد سراج روشندل است.

۵. نتیجه‌گیری

چاووش نامه گونه‌ای از ادبیات دینی و شیعی بوده که از حیث ادبی، از نمونه‌های ادبیات غنایی عامه است و بیان‌کننده عواطف و احساسات خواننده و برانگیزاننده عشق و دلدادگی مخاطب و حاوی انعکاس آرزوها و برآورده شدن حاجات، اندوه سفر و مشکلات راه و شرح مصائب خاندان پیامبر^(ص) است. چاووشی از آیین‌های استقبال و بدرقه حاجیان و زائران عتبات و مشهد است که در هر منطقه، نامی نزدیک به چاووشی دارد. برخی از نتایجی که از این مقاله به دست آمده، بدین قرار است: ۱- به مجری چاووشی «چاووش خوان» می‌گویند. چاووش خوانان ویژگی‌هایی داشتند؛ از قبیل لباس سپید و بلند و شالی سبز بر دوش با وسایلی مثل نیزه، قمچی (تازیانه)، زنگ و پوست، علم. آنان آوازی گرم و صدایی خوش داشتند و با موسیقی و مقام‌های آن آشنا بودند. چاووش خوان موقع شناس است و بدیهه‌سرا. او مهارت‌هایی چندگانه دارد. چاووشان پیش‌کسوت پس از رسیدن به مرحله علمداری، به کار تربیت شاگرد در زمینه‌هایی چون نوچگی، روخوانی از چاووش نامه‌ها، از بر کردن، هم‌آوایی و همراهی با چاووش ماهر، می‌پرداختند. کار چاووش خوانان چهار مرحله داشت: در هنگام فراخوان سفر، بدرقه کاروان، در طول سفر و استقبال از کاروان. ۲- سنت چاووشی، جز زیارت و فراهم آوردن مقدمات آن، کارکردهای فراوانی داشته است، همچون پیشباز ماه رمضان و سحرهای آن، در مجالس جشن و سرور، هنگام به آب افکندن شناورهای ماهی‌گیری و کشاورزی، در جشن عروسی، تولد ائمه، در تعزیه‌خوانی، برای اندرز درباره قیامت و سفر آخرت، برای پیشباز محرم و نیز صبح عاشورا یا اطلاع دادن مرگ کسی. ۳- چاووش نامه‌ها ساختار و محتوای خاصی دارند؛ از جمله بسم‌الله خوانی، صلوات خوانی، ترغیب به زیارت، پیش‌مضمون، شرح سفر، وصف اماکن متبرکه، مدح و منقبت امامان، یادکرد درگذشتگان و حق‌داران، آرزوی زیارت دیگر و بازگشت. ۴- چاووش نامه‌ها زبانی ساده، عامیانه، صمیمی، پرشور و جذاب دارند و

دربردارنده عقاید و اندیشه‌های شیعی و احساسات و عواطف زائران‌اند. ۵- اشعار چاووشی بیشتر در قالب دوبیتی است؛ اما سایر قالب‌های شعری همچون مثنوی، قصیده و قطعه نیز در مواردی به کار می‌روند. ۶- از میان چاووش‌نامه‌ها می‌توان به اطلاعات تاریخی، جغرافیایی، زبانی و فولکلوریک دست یافت؛ از جمله وقایع سفر و دشواری‌های راه و سخت‌گیری‌های مرزبانان یا لوازم سفر. ۷- اغلب اشعار چاووشی سراینده مشخصی ندارند. سنت چاووشی چنان رواج داشته که تاکنون چندین منظومه از این چاووش‌نامه‌ها منتشر شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. ابن بطوطه (۱۳۳۷). سفرنامه ابن بطوطه. ترجمه محمد علی موحد. تهران: علمی و فرهنگی.
۲. احمدی، لیلا (۱۳۹۴). «چاووش خوانی». دانشنامه فرهنگ مردم ایران. ج ۳. زیر نظر: اصغر کریمی و محمد جعفری (فنواتی). تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۳. آسایش، محمد حسن (۱۳۸۶). «محرم در کوچ نهارجان بیرجند». نجوای فرهنگ. ش ۵ و ۶. صص ۱۴۷-۱۵۰.
۴. آصف، محمد هاشم (رستم الحکما) (۱۳۵۲). رستم التواریخ. تصحیح محمد مشیری. تهران: [بی‌نا].
۵. افشاری، مهران (۱۳۸۲). فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه (سی رساله). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
۶. آل احمد، جلال (۱۳۴۹). اورازان. تهران: [بی‌نا].
۷. انجوی شیرازی، ابوالقاسم (۱۳۷۹). جشن‌ها و آداب و معتقدات زمستان. تهران: [بی‌نا].
۸. انوشه، حسن (۱۳۸۱). فرهنگنامه ادبی فارسی: دانشنامه ادب فارسی. ج ۲. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات.
۹. اوتر، ژان (۱۳۶۶). سفرنامه. ترجمه علی اقبالی. تهران: جاویدان.
۱۰. باسیتی، شهرام و الهام مؤمنی (۱۳۹۸). «چایبشی، عشوری و آیین ای دوست خوانی در شهرستان دامغان». فرهنگ و ادبیات عامه. ش ۳. صص ۱۷۵-۱۹۹.
۱۱. برآبادی، احمد (۱۳۸۰). مردم‌نگاری مراسم عزاداری ماه محرم در شهرستان بیرجند. تهران: مرکز نشر و تحقیقات قلم آشنا.

۱۲. بلوک‌باشی، علی (۱۳۸۰). نخل‌گردانی: نمایش تمثیلی از جاودانگی شهیدان. تهران: [بی‌نا].
۱۳. پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱). سفرنامه پولاک. ترجمه کیکاوس جهان‌داری. تهران: [بی‌نا].
۱۴. جاوید، هوشنگ (۱۳۸۵). «چاوش: بانگ قدسی». مقام موسیقایی. ش ۳۴. شهریور ۱۳۸۵: صص ۲۲-۲۶؛ ش ۳۵. مهر ۱۳۸۵: صص ۱۰-۱۲.
۱۵. _____ (۱۳۸۸). پرند ستایش در ایران. تهران: سوره مهر.
۱۶. جهانی برزکی، زهرا (۱۳۸۵). برزک، نگین کوهستان. کاشان: مرنجاب.
۱۷. جوهری، سید عباس (۱۳۷۰). کلیات خزائن الأشعار. ج ۷. تهران: سعدی.
۱۸. حسن‌عالی، فاطمه (۱۳۹۴). پژوهشی در فرهنگ و آداب و رسوم اهرم تنگستان. بوشهر: خانه ریاضیات بوشهر.
۱۹. حمیدی، جعفر (۲۰۰۴). «چاووش و چاووشی (چوش)»، نسیم جنوب: هفته‌نامه محلی بوشهر.
۲۰. خاقانی شروانی، افضل‌الدین (۱۳۱۶). دیوان خاقانی شروانی. به کوشش علی عبدالرسولی. تهران: [بی‌نا].
۲۱. خلف تبریزی، محمدحسین بن خلق (۱۳۶۳). برهان قاطع. به اهتمام محمد معین. ج ۵. چ ۵. تهران: امیرکبیر.
۲۲. دانای علمی، جهانگیر (۱۳۹۶). موسیقی، کار و زندگی در غرب مازندران. تهران: سوره مهر.
۲۳. درویشی، محمدرضا (۱۳۷۳). مقدمه‌ای بر شناخت موسیقی نواحی ایران. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری.

۲۴. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۵). لغت‌نامه فارسی، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۵. ذوالفقاری، حسن و محبوبه حیدری (۱۳۹۵). ادبیات مکتب‌خانه‌ای ایران. چ ۲. تهران: چشمه.
۲۶. رجائی زفره‌ای، محمدحسن (۱۳۵۴). «چاوشی نامه». وحید. ش ۱۸۱. صص ۴۰۵-۴۰۶.
۲۷. _____ (۱۳۷۸). «نسخه‌های خطی محمدحسن رجائی زفره‌ای». نشریه تحقیقات و اطلاع‌رسانی دانشگاهی. دوره ۵. ش ۳۲۳۳. شماره پیاپی ۸۲۴. بهار. ص ۵۹.
۲۸. سراج روشندل، جواد (۱۳۹۲). بردسکن: پرنیان هنر. [بی‌جا]: [بی‌نا]
۲۹. سعیدی، سهراب و علی محمد پُشت‌دار و حسین قاسم‌پور مقدم (۱۳۹۸). «آیین چاووش‌خوانی در استان هرمزگان». پژوهش‌های ایران‌شناسی. ش ۱. صص ۹۹-۱۱۵.
۳۰. شایسته‌رخ، الهه (۱۳۹۲). «آیین‌های شادی‌بخش در کشاورزی». فرهنگ مردم ایران. ش ۳۴. صص ۱۰۹-۸۹.
۳۱. شریعت‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۷۱). فرهنگ مردم شاهرود. ج ۲. [بی‌جا]: [بی‌نا].
۳۲. شریفیان، محسن (۱۳۸۵). اهل ماتم (آواها و آیین سوگواری در بوشهر). تهران: دیرین.
۳۳. شفایی خشگناب، حسین (۱۳۹۱). چاووشی‌خوانی. تهران: [بی‌نا].
۳۴. شهری‌باف، جعفر (۱۳۸۱). طهران قدیم. تهران: [بی‌نا].
۳۵. صفری، محمدعلی (۱۳۸۳). چاووش‌نامه: مکه معظمه، مدینه منوره، کربلا، نجف، کاظمین، سامرا، مشهد مقدس و قم. مشهد: امامت.
۳۶. طباطبایی اردکانی، محمود (۱۳۸۱). فرهنگ عامه اردکان. تهران: [بی‌نا].
۳۷. عطاری، مهسان (۱۳۸۱). «چاوشی». فرهنگ‌نامه ادبی فارسی: دانشنامه ادب فارسی. به سرپرستی حسن انوشه. ج ۲. چ ۲. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۳۸. علامه، رجبعلی و علیرضا رعیت حسن آبادی (۱۳۹۱). آیین چاووش خوانی. مشهد: ثابت قدم.
۳۹. عناصری، جابر (۱۳۶۶). درآمدی بر نمایش و نیایش در ایران. تهران: جهاد دانشگاهی.
۴۰. غلامی جلیسه، مجید (۱۳۹۲). چاووش نامه. قم: عطف.
۴۱. _____ (۱۳۹۹). چاووش خوانی. تهران: پرنده.
۴۲. فقیهی، علی اصغر (۱۳۵۰). تاریخ جامع قم. قم: [بی‌نا].
۴۳. قدری، حسین کاظم (۱۹۲۸). تورك لغتی. استانبول: [بی‌نا].
۴۴. قنبری عدیوی، عباس (۱۳۸۲). «مافه‌گه»؛ یادمان بزرگان ایل بختیاری، کیهان فرهنگی، بهمن و اسفند. ش ۲۰۸-۲۰۹ صص ۵۰-۵۴.
۴۵. کاشغری، محمود بن حسین (۱۳۸۴). دیوان لغات‌الترک. برگردان به فارسی: محمد حسین زاده صدیق. تبریز: [بی‌نا].
۴۶. کفش‌داری، حاج محمود (۱۳۴۶). چاووش نامه. [بی‌جا]: [بی‌نا].
۴۷. محجوب، محمدجعفر (۱۳۸۳). «ادبیات عامیانه ایران». مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و آداب و رسوم مردم ایران. به کوشش حسن ذوالفقاری. تهران: چشمه.
۴۸. مددی، حسین (۱۳۷۸). «آیین کتل، نمایش رمز و احساس در ایل بختیاری». نمایش: بهار و تابستان. ۵۶-۵۹ و چیستا: دی و بهمن. ش ۱۶۴ و ۱۶۵.
۴۹. مشهدی نوش آبادی، محمد و ابراهیم موسی‌پور (۱۳۷۷). «چاووش خوانی». دانشنامه جهان اسلام.
۵۰. مظلوم‌زاده، محمد مهدی (۱۳۸۷). «زیارت در کازرون». نجوای فرهنگ. ش ۸ و ۹. صص ۴۵-۴۸.
۵۱. معتمدی، سید حسین (۱۳۸۶). چاووشی سنتی شیعیان. قم: قلم مکنون.

۵۲. موریه، جیمز (۱۳۸۶). سفرنامه جیمز موریه. ۲ ج. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس.
۵۳. مولوی بلخی، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۵). مثنوی. به تصحیح نیکلسون. ۳ ج. تهران: هرمس.
۵۴. میرعابدینی، ابوطالب و مهران افشاری (۱۳۷۴). آیین قلندری. تهران: فراروان.
۵۵. میرفخرایی، مریم و جهانگیر نصری اشرفی (۱۳۹۰). «چاووش و چاووشی». دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. ۱۹ ج. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۵۶. نادعلی‌زاده، غلامعلی (۱۴۰۰). تعزیه‌نامه. ۶ ج. سمنان: سمنگان.
۵۷. _____ (بی‌تا). مجلس تعزیه امام رضا^ع در نیشابور. نسخه خطی.
۵۸. چاووش نامه حضرت رضا و کربلای معلای (بی‌تا). ناشناس. مشهد: کتاب‌فروشی دانش. بست علیا.
۵۹. ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۹۰). دیوان کامل اشعار ناصرالدین شاه قاجار. به اهتمام حسن گل‌محمدی. تهران: علم.
۶۰. نصری اشرفی، جهانگیر (۱۳۸۳). نمایش و موسیقی در ایران. تهران: آرون.
۶۱. _____ (۱۳۹۰). از آیین تا نمایش. تهران: آرون.
۶۲. نظامی گنجوی (۱۳۳۴). خسرو و شیرین. به کوشش وحید دستگردی. تهران: ابن سینا.
۶۳. نظری، زلیخا و دیگران (۱۳۸۴). مردم‌شناسی روستای ایبانه. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
۶۴. نوری، افسانه و مجید جوادیان (۱۳۸۴). چاووش. به کوشش انجمن شعر و ادب یزد. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد.

۶۵. ۶۵. نیکجو تکمه‌داس، محمود (۱۳۹۰). چاووش کربلا (شامل اشعار چاووشی به ترکی). قم: اصباح.
۶۶. و صاف بیدگلی، محمدرضا (۱۳۵۸). «چراغان: جغرافیای قصبه بیدگل». فرهنگ ایران زمین. ش ۲۴.
۶۷. هاشمی، علیرضا (۱۳۸۷). سفرهای زیارتی در فرهنگ مردم. تهران: مشعر.
۶۸. یعقوبیان، رضا (۱۳۸۳). سفر عشق: مجموعه چاووش نامه مکه و مدینه، کربلا و نجف، سوریه، قم و مشهد مقدس. مشهد: رستگار.
۶۹. یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۰). «چاووش». کلک. ش ۱۴ و ۱۵. صص ۵۹.

